

## ضرورت وجود معاد در آیات و روایات

ایران سلیمی فر<sup>1</sup>

### چکیده

معاد یکی از مفاهیم بنیادی و اعتقادات مهم در دین اسلام است که به آن توجه ویژه‌ای شده است. این موضوع به صورت گسترده در قرآن و احادیث اسلامی مطرح شده و به نوعی از مسیر هدایت انسان‌ها به سوی سعادت اخروی و رضایت الهی تعریف شده است. اخبار و روایات وارد شده در باب حیات برزخی پس از مرگ به گونه‌ای صراحت و دلالت بر این موضوع دارد که تمام مذاهب اسلامی، راجع به بودن آن سخن گفته‌اند. پرداختن به مساله حیات پس از مرگ از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا این باور می‌تواند تأثیر عمیقی بر نگرش و رفتار انسان در زندگی دنیوی داشته باشد. ایمان به معاد و زندگی پس از مرگ، به انسان انگیزه می‌دهد تا در این دنیا اعمال نیک انجام دهد، از گناه دوری کند و برای زندگی ابدی خود در جهان آخرت توشه بردارد. در این اثر که به روش کتابخانه‌ای به جمع‌آوری مطالب پرداخته و شیوه پردازش اطلاعات توصیفی است یافته‌ها حاکی از آن است که پس از مرگ هنگامی که بدن و قالب ظاهری ناتوان شد و از کار افتاد بدن برزخی (مثالی) جایگزین آن می‌شود و چون با آن جهان سنخیت دارد؛ قادر به درک پدیده‌های جهان برزخی است. بنابراین؛ جهان برزخی، از عالم طبیعت جدا و گسسته نیست که در انتهای این دنیا به جهانی برسیم و این جهان نیز با دیواری بسیار بزرگ از طبیعت جدا گردد؛ بلکه دنیا و برزخ متصل به هم و پیوسته است.

کلیدواژه‌ها: مرگ، حیات برزخی، دنیا، معاد

---

<sup>1</sup> سطح عمومی، حوزه علیمه خواهران فاطمیه (س) شهرکرد

## مقدمه

حیات پس از مرگ، یکی از اسرارآمیزترین و بحث‌انگیزترین موضوعاتی است که از دیرباز ذهن بشر را به خود مشغول کرده است. این مفهوم نه تنها در حوزه دین و فلسفه جایگاه ویژه‌ای دارد، بلکه دانشمندان علوم مختلف، از زیست‌شناسی گرفته تا فیزیک و روانشناسی، به مطالعه و بررسی آن پرداخته‌اند. از دیدگاه علمی، پرسش از امکان ادامه حیات پس از مرگ بدن؛ به نظریه‌های مربوط به آگاهی، انرژی و ماهیت وجودی انسان باز می‌گردد.

مطالعه‌ی تاریخ اقوام و حال گذشته بر ما ثابت می‌کند که آن‌ها نیز به حیات پس از مرگ اعتقاد داشته‌اند با این تفاوت که برخی از آن‌ها چون رشد عقلی و فکری نداشته و تحت رهبری صحیح و کافی قرار نداشته‌اند، حیات پس از مرگ را همانند زندگانی عادی این عالم دانسته‌اند و همراه مردگان خود مایحتاج زندگی از قبیل: خوراک، پوشاک، اسلحه، وسایل تزیین و حتی مستخدم دفن می‌کردند؛ پس از اندکی دقت و تأمل در این قبیل طرز فکرها، لزوم بعثت انبیاء جهت پرورش فطرت و هدایت افکار نسل بشر واقع می‌شود تمام ادیان آسمانی خصوصاً دین مقدس اسلام برای مسأله معاد به جهاتی اهمیت فوق‌العاده قایل شده‌اند.

اعتقاد به قیامت ضامن سعادت و رفاه و امنیت جوامع بشری است و همین اعتقاد زمینه را برای سعادت‌مندی دنیا و آخرت بشر فراهم می‌کند و هدف در این تحقیق این است که حیات پس از مرگ را بررسی کرده و اهمیت آن را به خوانندگان گوشزد کند تا بتوانند در زندگی از آن بهره ببرند و به سعادت برسند.

در زمینه‌ی معاد و نظرات مختلفی که درمورد آن وجود دارد کتاب‌ها و تحقیقات بسیاری نوشته شده است مثلاً در این زمینه می‌توان به کتاب معاد از استاد مطهری یا کتاب معاد از استاد دستغیب اشاره کرد و همچنین مقالاتی مثل مقاله آقای محمدتقی ناصری در مورد «معاد از دیدگاه عقل و قرآن» اشاره کرد.

در این مقاله، با نگاهی به آیات و روایات دربارهٔ حیات پس از مرگ، تلاش خواهیم کرد به این پرسش اساسی نزدیک شویم: آیا وجود معاد ضرورت دارد؟، یا شواهدی که بر وجود آن دلالت دارند کدام اند؟

## ضرورت معاد

قرآن کریم در آیات متعددی بر ضرورت معاد، اقامه‌ی برهان کرده است. برای آشنایی با این ادله برخی از آن‌ها را کوتاه و فشرده نقل می‌کنیم.

### الف - عبث بودن دنیا بدون معاد

زندگی دنیا نمی‌تواند هدف نهایی آفرینش انسان باشد، زیرا حیاتی است موقت، کوتاه و آکنده از مشکلات و سختی‌ها و سرانجام آن نیستی و نابودی است. بنابراین، اگر معادی در کار نبوده، حیات انسان محدود در زندگانی دنیوی می‌باشد، خلقت انسان عبث و بیهوده و بدون غایت خواهد بود.

قرآن کریم در این مورد می‌فرماید: **أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنْكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ**؛ آیا پنداشتید شما را بیهوده آفریده‌ایم و شما به سوی ما باز نمی‌گردید.

این جمله کوتاه و پرمعنی یکی از زنده‌ترین دلایل رستاخیز و حساب و جزای اعمال را بیان می‌کند و آن اینکه اگر راستی قیامت و معادی در کار نباشد، زندگی دنیا عبث و بیهوده خواهد بود، زیرا زندگی این جهان باتمام مشکلاتی که دارد و با این همه تشکیلات و مقدمات و برنامه‌هایی که خدا برای آن چیده است اگر صرفاً برای همین چندروز باشد بسیار پوچ و بی‌معنی می‌باشد و از آنجاکه این گفتار یعنی عبث نبودن خلقت، سخن مهمی است که نیاز به دلیل محکم دارد در آیه بعد اضافه می‌کند: **فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ** خداوندی که فرمانروای حق است هیچ

<sup>1</sup> مؤمنون: 115.

<sup>2</sup> مؤمنون: 116.

معبودی جزاونیست و پروردگار عرش کریم است برتر از آن است که جهان هستی را بیهوده و بی هدف آفریده باشد.<sup>۱</sup>

معاد هدف نهایی آفرینش و آخرین مرحله تکامل عمومی است. طبق آیات، فرارسیدن قیامت در نظام کلی عالم، امری طبیعی است و کاروان هستی در سیر تکاملی خود ناگزیر باید به یک کمال مطلق منتهی شود بنابراین وجود معاد باید ضرورت داشته باشد.<sup>۲</sup>

### ب - معاد مقتضای عدل الهی

در این دنیا غالباً نیکوکاران و تبهکاران در یک صف قرار گرفته یکسان از متاع دنیا بهره‌مند می‌شوند؛ بلکه گاهی نصیب تبهکاران بیشتر است. عدل الهی ایجاب می‌کند اینان از هم جدا شده هر یک از آن‌ها به سزای اعمالشان برسند. و چون این امر در دنیا به ظهور نمی‌رسد باید در جهانی دیگر واقع شود:

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ؛<sup>۳</sup> آیا آنان که مرتکب گناهان شدند گمان کردند ما آنها را همانند کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند قرار می‌دهیم، کهزندگی و مرگشان یکسان باشد؟ چه بد داوری می‌کنند!

درقرآن، استفاده از روش مقایسه زیاد به چشم می‌خورد از جمله آیا مؤمن بافاسق یکسان است؟ آیا عالم با جاهل یکسان است: آیا کسانی که قبل از فتح مکه و در زمان غربت برای اسلام خرج کردند با کسانی که بعد از فتح مکه کمک مالی کردند یکسانند؟ درمقایسه‌ی میان مؤمن و کافر می‌بینیم که مؤمن بایاد خدا آرام، به داده خداری، به آینده امیدوار، راهش روشن و مرگ راکوچ کردن به منزلی بزرگتری داند

<sup>۱</sup> مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 14، ص 344

<sup>۲</sup> شریعتی سبزواری، معاد در نگاه عقل و دین، ص 166

<sup>۳</sup> جاثیه: 21.

ولی کافر هر روز به گرد طاغوتی می چرخد و هر لحظه محکوم هوس های خود یادگیران است، آینده را تاریک و مرگ را فنا می داند.

لذا قرآن برای روشنگری هر چه بیشتر روش مقایسه را مطرح می کند، تا تمام وجدان ها در هر سطحی مسئله را درک کنند.<sup>۱</sup>

### ج - معاد مقتضای رحمت الهی

خدای متعال دارای رحمت بی پایان و گسترده است و این رحمت بی کران ایجاب می کند که فیض الهی با مرگ انسان پایان پذیرد و بهره مندی انسان های صالح و مؤمن از نعمت های الهی هم چنان ادامه یابد.<sup>۲</sup>

قُلْ لِمَنْ مَافِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ<sup>۳</sup>: بگو آنچه که در زمین و آسمان ها است از کیست؟ (آنگاه خودت از طرف آنان) بگو از آن خدا است، خداوند، رحمت بر بندگان را بر خود واجب شمرده، وبدون شک همه شما را در روز قیامت یعنی روزی که در قیام آن شکی نیست جمع آوری خواهد کرد، ولی کسانی که خود را (به فریب دنیا) در زیان افکندند ایمان (به آن روز) نمی آورند.

قُلْ لِمَنْ مَافِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ: با این سؤال و جواب برهان بر معاد شروع می شود، و خلاصه آن این است که خدای تعالی مالک است همه آنچه را که در آسمان ها و زمین است و می تواند به هر نحوی که بخواهد در آنها تصرف کند، از طرفی هم می فرماید: خدای سبحان متصف است به صفت رحمت، که عبارتست از رفع حوائج محتاجان و رساندن هر چیزی به مستحقان و از طرفی دیگر اشاره می کند به این که عده ای از بندگانش صلاحیت زندگی جاودانه و استعداد سعادت در آن زندگی را دارند،

<sup>۱</sup> قرآینی، تفسیر نور، ج 10، ص 529.

<sup>۲</sup> شیروانی، معادشناسی، ص 12.

<sup>۳</sup> انعام: 12.

صَارَتِ الْأَجْسَادُ شَجِبَةً بَعْدَ بَضْتِهَا» بدن‌ها پس از آن طراوت، پوسیده و خاک شده می‌شود «وَالْعِظَامُ نَحْرَةً بَعْدَ قُوَّتِهَا» استخوان‌های او پوسیده می‌شود پس از آن که یک روزی نیرومند بوده «وَالْأَرْوَاحُ مُرْتَهَنَةٌ بِثِقَلِ أَعْبَائِهَا» بدن‌ها و استخوان‌ها در قبر پوسیده ولی روح‌ها در گرو سنگینی کارها و اعمال خودش است «مُوقِنَةٌ بِغَيْبِ أَنْبَائِهَا» در حالی که یقین کرده است به خبرهای غیبی که در دنیا به او می‌دادند و آن وقت باور نمی‌کرد حالا یقین پیدا کرده که آن چه گفته‌اند راست بود «لَا تُسْتَزَادُ مِنْ صَالِحِ عَمَلِهَا وَ لَا تُسْتَعْتَبُ مِنْ سَيِّئِ زَلَّلِهَا»<sup>۱</sup> در آن وقت به او نمی‌گویند یک مقدار عمل صالح بیشتر کن چون دیگر آنجا جای عمل نیست و کارهای بدی هم که کرده است، دیگر اینجا فایده ندارد که بگویند ببخشید و توبه و استغفار می‌کنم فایده‌ای ندارد.

عرضم این دو جمله است که می‌فرماید: «صَارَتِ الْأَجْسَادُ شَجِبَةً بَعْدَ بَضْتِهَا» بدن‌ها استخوان‌ها پوسیده است ولی روح‌ها در گرو اعمال هستند، در حالی که در آنجا یقین کرده‌اند به چیزهایی که در دنیا یقین نمی‌کردند {آیا} درست نمی‌رساند که در نظر امیرالمؤمنین مسأله روح یک مسأله است و مسأله‌ی جسد مسأله دیگری؛ آدم وقتی که مرد بدنش می‌پوسد و روحش در دنیای دیگری باقی است، آن وضعی دارد و این وضعی<sup>۲</sup>.

خطبه‌ی 107 هم راجع به میت در حال احتضار است و در حال احتضار چشم‌هایش را این طرف و آن طرف برمی‌گرداند، به چهره‌ی بازماندگانش نگاه می‌کند. خطبه‌ی مهمتر دیگری هست که حضرت راجع به توصیف ملک الموت سخن می‌گوید و ایهام ما را ذکر می‌کند که ما ملک الموت را نمی‌توانیم توصیف کنیم چه برسد به خدای ملک الموت را. این سه قسمت که از نهج البلاغه خواندم صراحت بیشتری داشت؛ سه قسمت دیگر هم می‌خوانم که آن‌ها به این صراحت نیست خطبه‌ای هست که حضرت در آن خلقت همه‌ی طیور ولی بیشتر خلقت طاووس را توصیف کرده است. یعنی عجایب خلقت

<sup>۱</sup> نهج البلاغه، خطبه 81.

<sup>۲</sup> مطهری، معاد، ص 112.

طاووس را به عنوان دلیلی بر وجود خداوند بیان کرده است. در آخر خطبه می‌فرماید: منزله است آن که قوائم و پاها را در درون مورچه‌ها و مگس‌های ریز تا بزرگشان قرار داد و بر خود قرار داده که هیچ جسمی از اجسامی که روح را در آن‌ها قرار داده است حرکت نکند مگر این که مرگ را هم موعود آن‌ها قرار داده است؛ یعنی سنت الهی است که در هر جا روح را قرار داده است مرگ را هم قرار بدهد.

در خطبه‌ی 181 که دعوت می‌کند به ریاضت شرعی یعنی به نماز و روزه و شب‌زنده‌داری‌ها و انفاق کردن اموال، می‌فرماید: خودتان را بیدار قرار دهید و شکم‌های خودتان را به اصطلاح چنگ قرار دهید از پاهای خودتان کار بکشید یعنی این قدم‌ها را در راه‌های رضای خدا بردارید مال‌های خودتان را در راه انفاق کنید و اینجا کلمه‌ی روح نیست، کلمه‌ی نفس است. در خطبه‌ی 213 که قسمتی از آن عنوان دعا دارد می‌فرماید: خدایا نعمت‌های بزرگواری که من داده‌ای و عنایت کرده‌ای این‌ها را از من قبل از مردن بگیر این را به این تعبیر می‌گوید: خدایا اولین شی‌ کریمی که از من می‌خواهی بگیری ببری پیش خودت همان نفس من باشد خدایا نفس مرا اولین شی بزرگواری قرار بده که آن را از من می‌گیری، یعنی نعمت‌هایت را از من سلب نکن این هم یک تعبیر است.<sup>1</sup>

از آنجایی که ستمکاری صفت بسیار ناپسندی است که باعث آزردن دیگران می‌شود و شقاوت و بدبختی را در پی دارد بنابراین بدترین توشه‌ای است که می‌توان برای آخرت به همراه داشت. حضرت با بیان این مطلب و توجه دادن به قیامت مسلمانان را از ارتکاب آن پرهیز می‌دهند.

بِسْمِ الزَّادِ إِلَى الْمَعَادِ، الْعُدْوَانُ عَلَى الْعِبَادِ<sup>2</sup> بدترین زاد و راحله برای قیامت ظلم به بندگان است.

<sup>1</sup> مطهری، معاد، ص 113.

<sup>2</sup> سید رضی، نهج البلاغه، ص 482، حکمت 221.

همچنین می فرمایند: **يَوْمُ الْمَظْلُومِ عَلَى الظَّالِمِ، أَشَدُّ مِنْ يَوْمِ الظَّالِمِ عَلَى الْمَظْلُومِ؛**<sup>1</sup> روز انتقام مظلوم از ظالم شدیدتر از روز ظالم بر مظلوم است.

ابن میثم در شرح این حکمت می فرماید: منظور حضرت از روز مظلوم روز قیامت است و از آن رو روز رستاخیز را روز ستمدیده دانسته که روز انتقام و گرفتن حق اوست. همچنین هنگامه ستم را مخصوص به روز ستمگر شمرده است، چون ستم در دنیا انجام شده است.

همچنین حضرت می فرماید: **وَ لَئِنْ أُمَّهَلَ [اللَّهُ] الظَّالِمَ فَلَنْ يَفُوتَ أَخْذُهُ وَ هُوَ لَهُ بِالْمِرْصَادِ؛**<sup>2</sup> اگر خداوند ستمگر را چند روزی مهلت دهد، از باز پرسی و عذاب او غفلت نمی کند و او بر سر راه در کمینگاه ستمگران است.

خویی شارح نهج البلاغه در شرح این فراز می گوید: اگر ظالم در دنیا مهلت داده شود و از دنیا بهره برداری کند اما عقوبتش باقی است چنانچه خدا را اشاره می کند: کافران پندارند که در مهلتی که به آنها می دهیم خیر آن هاست. به آن ها مهلت می دهیم تا بیشتر به گناهانشان بیفزایند، و برای آن ها عذابی خوار کننده است.<sup>3</sup>

## نتیجه گیری

در این تحقیق سعی بر این شد که ابعادی از ضرورت حیات پس از مرگ مورد بررسی قرار گیرد و اشاره شود که هم در آیات قرآن به بحث معاد و معاد باوری اشاره و تأکید شده است و هم در کلام معصومین به بحث معاد و روح پرداخته شده و اهمیت آن به مسلمین گوشزد شده است پس نتیجه می گیریم که بحث معادباوری یکی از اصولی است که در دین از اهمیت و جایگاه بالایی برخوردار است و اعتقاد به آن می تواند مسیر زندگی انسان ها را متغیر کند. به همین خاطر است که در کلام ائمه و آیات قرآن

<sup>1</sup>. همان، حکمت 241

<sup>2</sup>. همان، حکمت 97

<sup>3</sup>. مولوی، تاثیر معاد باوری در برخی از روابط اجتماعی از منظر نهج البلاغه، ص 48-48

بر آن تأکید بسیاری شده است لذا امید است که با توجه به این امر مهم بتوانیم هم در دنیا و هم در آخرت سعادت‌مند شویم و از گردنه‌های مختلف به سهولت عبور کنیم.

## منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

شریعتی سبزواری، محمد باقر، معاد در نگاه عقل و دین، تهران: انتشارات بوستان، 1385 ه. ش.

قرایتی، محسن، تفسیر نور، قم: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، 1383 ه. ش.

مطهری، مرتضی، معاد، قم: انتشارات صدرا، چاپ دوازدهم، بی تا.

مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامی، 1374 ه. ش.

موسوی همدانی، سید محمد باقر، ترجمه تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی  
جامه مدرسین حوزه علمیه قم، 1374 ه. ش.

ناصری، محمد تقی، معاد از دیدگاه قرآن و عقل، مرکز جهانی علوم اسلامی، 1385.

مولوی، زهرا، «پایان نامه تاثیر معاد باوری در برخی از روابط اجتماعی از منظر نهج  
البلاغه»، 1397 ه. ش.